



اهداف آمریکا در قفقاز و نقش ترکیه در این چارچوب

در جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان پیروز نخست آذربایجان بود؛ اما ترکیه نیز به عنوان یک کشور عضو ناتو برای برقراری موازنه نقش مهمی برعهده گرفت. آمریکا باید توجه ویژه‌ای به نقش ترکیه در قفقاز و آسیای میانه داشته باشد.

به گزارش آران نیوز به نقل از گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، بسیاری از رسانه های ترکیه در ماه های اخیر و به دنبال به قدرت رسیدن جو بایدن، روی چند و چون مسیر آتی روابط آنکارا و واشنگتن زوم کرده اند. اما برخی از تحلیل گران ترکیه، علاوه بر موضوع روابط دولت های بایدن و اردوغان، در این مورد تحقیق می کنند که اساساً اهداف آمریکا در حوزه های پیرامونی از جمله قفقاز و مدیترانه به چه شکلی خواهد بود و اقدامات تیم بایدن، به شکل مستقیم و غیرمستقیم، تا چه اندازه بر منافع ترکیه تاثیر خواهد گذاشت.

علی چنار از کارشناسان و روزنامه نگاران روزنامه ملیت، در تازه ترین تحلیل خود، به موضوع اهداف آمریکا در قفقاز پرداخته است. علی چنار از تحلیل گران ترکیه، سالهاست در نیویورک زندگی می کند و از راه دور برای روزنامه ملیت قلم می زند. حوزه تخصصی او، تحلیل روابط آنکارا و واشنگتن و مطالعات امنیتی ناتو است.

او نیز مانند 10 تن از روزنامه نگاران مشهور ترکیه که سالها در آمریکا زندگی کرده اند، از امکان و مجال آن برخوردار است که تحولات سیاسی در نیویورک و واشنگتن را از نزدیک رصد کند و با طیف وسیعی از مقامات سیاسی، سناتورها و نظامیان بازنشسته در اتاق فکرهای مختلف در ارتباط باشد.

از واشنگتن تا شرق دور و قفقاز

جو بایدن رئیس جمهور آمریکا، تقریباً به طور کامل، بر روی سیاست داخلی تمرکز کرده و مسائل داخلی را در دستور کار قرار داده ست. اما در حوزه سیاست خارجی هم، بالاخره شاهد یک اقدام بودیم.

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه همراه با لوید آستین وزیر با دفاع، به سمت آسیا و حوزه مهم هند و پاسیفیک به راه افتادند و دیدارهای آنان با مقامات ژاپن و کره جنوبی از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنان که می دانیم، دیدار با هیاتی از چینی ها نیز در دستور کار است و حضور مشاور عالی امنیت ملی جیک سالیوان، در نشست با چین، اهمیت فراوانی دارد.

اگر چه نگرش آمریکا به ژاپن، کره جنوبی و چین، از منظر استراتژیک، بسیار مهم و حیاتی است اما بالاخره نوبت آن رسیده که پس از این دیدارها، بفهمیم تیم بایدن، با چه رویکرد و انتظاراتی، سراغ منطقه قفقاز خواهد رفت.

نخستین مواجهه های دولت جو بایدن با تحولات سیاسی مرتبط با قفقاز همان موضعی بود که در ارمنستان، گرجستان و آذربایجان دیدیم. زمانی که در ارمنستان احتمال می رفت علیه پاشینیان کودتا صورت بگیرد، آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا همه را به اعتدال فرا خواند.

در مورد جمهوری آذربایجان نیز آن چه توجه همه را جلب کرد، این بود که آمریکا نشان داد به دنبال سناریویی است که رضایت همه طرف ها را تامین کند. دولت بایدن، نگرش خاصی در مورد گرجستان نیز به نمایش گذاشت. در نگرش دولت جو بایدن نسبت به تحولات سیاسی مرتبط با گرجستان، آن چه بیش از هر چیز دیگری هویدا شد، این بود که واشنگتن نشان داد می خواهد سناریویی را پیش ببرد که گرجستان هر اندازه که ممکن است از روسیه دورتر و به اروپا و ناتو نزدیک تر شود و مرزهای این کشور در حفاظت کامل باشد.

من در واشنگتن مهمان یکی از اتاق فکرهای این کشور شدم که سیاست های مرتبط با حوزه خزر را تحلیل می کند؛ در آنجا بسیاری از کارشناسان و اساتید در حوزه مطالعاتی اوراسیا و اروپا حضور دارند. جورج کنت یکی از افراد با تجربه ای است که در این حوزه مطالعات فراوانی دارد. او در نشست مرکز مطالعات دریای خزر به نکاتی اشاره کرد که چند مورد آن را یادداشت کرده ام.

کنت می گوید: آمریکا به دنبال آن است که در جنوب قفقاز مفاهیم مهمی همچون تحولات دموکراتیک، رفاه، توسعه و امنیت در اوج باشد و در حوزه بزرگ خزر نیز کمک های استراتژیک خود را تغییر داده است.

واشنگتن می خواهد سازمان امنیت مشترک اروپا در قره باغ کوهستانی فعالتر باشد و واقعیت این است که تفاوت منافع گسترده روسیه، چین و ایران در این منطقه آمریکا را ناراحت و نگران می کند.

استیلای حقوق و دموکراسی و همچنین توجه به آزادی های فردی و اجتماعی در این منطقه برای آمریکا مهم است. چیزی که می بینیم این است آمریکا می خواهد چنین پیامی به جهان مخابره کند: ممکن است من در میدان حضور عینی نداشته باشم و کسی مرا نبیند اما در آن منطقه چشم و گوش دارم و نمی خواهم میدان را برای دیگران خالی کنم. هنوز هم صاحب قدرتی هستم که به من اجازه می دهد آنچه را که لازم است انجام دهم.

در اغلب اتاق فکرها و مراکز تحقیقات مرتبط با تحولات سیاسی و روابط بین الملل در آمریکا، مسائل مرتبط با حوزه قفقاز و دریای خزر توجه تحلیل گران را به سوی خود جلب کرده است و من اینجا در واشنگتن توانستم با چهار تن از کارشناسان خیره صحبت کنم. در زیر تلاش می کنم به طور خلاصه نظرات آنان را در مورد این حوزه مهم و حساس بیان کنم.

ژنرال بازنشسته مایکل ریاس، در این مورد گفت: ترکیه می تواند در آن حوزه به عنوان بازیگر مهمی مورد توجه قرار گیرد که توانایی آن را دارد که صلح را حفظ و موازنه را برقرار کند. آمریکا می تواند در قفقاز همراه با ترکیه و جمهوری آذربایجان در حوزه های مهمی همچون انرژی و مسائل دیگر همراهی و همکاری کند. من معتقدم که واشنگتن از این به بعد باید به مسائل سیاسی مرتبط با قفقاز اهمیت بیشتری بدهد.

همچنین اِفگان نیفتی، مدیر مرکز مطالعات سیاسی خزر نظرات جالبی داشت. او در مورد سیاست های آمریکا در قفقاز به من گفت: من فکر می کنم که برای آمریکا مهم است از این به بعد بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان جنگ و درگیری جدیدی روی ندهد.

تصور می‌کنم آمریکا تلاش خواهد کرد که در مقطع بعدی، حضور پررنگ تری داشته باشد و اجازه ندهد که ناامنی و تنش جدیدی به وجود بیاید. البته ذکر این نکته را هم ضروری می‌دانم که هنوز سیاست‌های آمریکا در مورد قفقاز تثبیت نشده است، چرا که با روی کار آمدن دولت جدید، مسئولین و مدیران جدید باید معرفی شوند که در این حوزه از دانش و تجربه بالایی برخوردار باشند.

در جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان پیروز نخست آذربایجان بود. اما ترکیه نیز به عنوان یک کشور عضو ناتو برای برقراری موازنه نقش مهمی برعهده گرفت و به همین خاطر لازم است که آمریکا در رویکردهای سیاست خارجی خود، توجه ویژه‌ای به نقش ترکیه در قفقاز و آسیای میانه داشته باشد و با ترکیه در این حوزه بیش از پیش همکاری کند.

روبرت کیوتا دیپلمات بازنشسته و سفیر اسبق ایالات متحده آمریکا در جمهوری آذربایجان نیز از افرادی است که با مسائل سیاسی و امنیتی حوزه قفقاز آشنایی کاملی دارد و به من گفت: آنچه هم اکنون در قره باغ کوهستانی در جریان است، چیزی است به نام آتش بس و نه صلح پایدار، لذا آمریکا باید نقش خود را ایفا کند و برای استقرار صلح پایدار گام اساسی بردارد. من فکر می‌کنم سازمان همکاری مشترک امنیتی اروپا باید نقش فعالی داشته باشد.

حضور نظامی روسیه در گرجستان، آذربایجان و ارمنستان بسیار نگران کننده است، اما از طرف دیگر در حوزه انرژی اتفاقات جدیدی روی داده و توافق گازی بین ترکمنستان و جمهوری آذربایجان امیدهای تازه‌ای برای تامین گاز غرب به وجود آورده است.

جین میشل لژ اساتید دانشگاه واشنگتن نیز معتقد است: در تیم جو بایدن افرادی حضور دارند که قفقاز را به خوبی می‌شناسند و از ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی این منطقه استراتژیک به خوبی آگاهند. تصور من این است که تیم جو بایدن به دنبال آن است که منطقه قفقاز آرام باشد و موازنه بین همه طرف‌ها برقرار شود. یکی از تفاوت‌های مهم سیاست‌های آمریکا و روسیه در این منطقه چنین است؛ روسیه در منطقه قدرت نظامی و نفوذ نظامی دارد اما آمریکا صاحب قدرت نرم است به همین خاطر همگان می‌دانند که روسیه نخواهد توانست در منطقه چیزی به نام توسعه اقتصادی به وجود بیاورد.

یکی از نکات مهم در مورد سیاست‌های آمریکا در مورد قفقاز و همراهی یا عدم همراهی این کشور با ترکیه ارتباط مستقیمی با نگرش واشنگتن نسبت به مسئله ادعای تاریخی ارمنه دارد. فراموش نکنیم که فرماندار ایالت کالیفرنیا جدیداً حکم آزادی فردی را امضا کرده که در سال 1982 میلادی سرکنسول ترکیه در لس آنجلس را ترور کرده بود.

قرار بود این فرد ارمنی تا ابد در زندان بماند اما ورق برگشت. فرماندار کالیفرنیا، این خبر را نه از طریق رسانه‌ها بلکه از طریق لابی ارمنه به اطلاع عموم رساند. اما چرا فرماندار کالیفرنیا ناچار شد چنین تصمیمی بگیرد. ماجرا اینجاست که قبلاً در مقام فرماندار درخواست آزادی تروریست ارمنی را رد کرده بود اما لابی ارمنه توانست یک میلیون و 900 هزار امضا برای برکنار کردن فرماندار جمع آوری کند و در نتیجه فرماندار در برابر خواست عمومی تسلیم شد.

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه تیم بایدن اعلام کرد که این تصمیم فرماندار برای آزاد شدن فرد ارمنی، موجب ناراحتی دولت شده است. اگرچه این اظهارات بلینکن از منظر روابط آنکارا ارزشمند است، اما واقعیت این است که این حرف‌ها نمی‌تواند مشکلات را حل کند.